



۱۱

معاون فرهنگی وزیر ارشاد منصوب شد

«دوقلوها» حالا «سه قلوها» می شود



بنی فاطمه برای جاماندگان اربعین می خواند



۱۰

فرهنگ

دوشنبه ۲۹ شهریور ۱۴۰۰ شماره ۶۰۳۷

جام جم

یادداشت

رونق اقتباس



میثم اسماعیلی

ادبیات

داستانی ایران
آیا ظرفیت
بالایی برای
سینما و
تلویزیون دارد؟

جامعه

بله بدیهی است، مصداقش بی شمار آثار سینمایی در چهار دهه گذشته است که برخی جزو آثار ماندگار سینمای ایران هستند. نسبت استفاده سینما به سریال سازی از این ظرفیت اما آنقدر کم است که قابل اشاره نیست، نکته جالب توجه این که همان معدود آثار تولید شده آنقدر درخشان و به یادماندنی اند که این سوال پیش بیاید چرا در چهار دهه گذشته نسبت به آن بی توجه بوده ایم. نمونه ای درخشان سریال قصه های مجید ساخته کیومرث پوراحمد در ابتدای دهه ۷۰ است؛ سریالی که آنقدر مورد توجه بود که حتی بیرون از قاب تلویزیون راه به سینما هم پیدا کرد. سریال «زخم کاری» به کارگردانی محمدحسین مهدویان نمونه متاخر استفاده از ظرفیت بالای ادبیات در سریال سازی است، هر چند میزان وفاداری آن به اندازه نمونه گذشته نیست اما به باور بسیاری از کارشناسان از جمله خود نویسنده کتاب «بیست زخم کاری» موفقیت احتمالی این سریال در جذب مخاطب هم مرهون همان خط کم رنگی است که فیلمساز سعی کرده از کتاب برداشت کند.



فارغ از این موضوع حتی اگر دل نندیم به آمارهای متغیر هرباره سرانه اندک مطالعه در ایران، نشانه های آشکاری وجود دارد که جامعه ایرانی نسبت به گذشته به ادبیات داستانی و کتاب اقبال بیشتری پیدا کرده است. از بازار رونق گرفته بسیاری از نشرها در ایران گرفته تا آمار فروش کتاب در اپ های کتابخوان و میزان شکفت بلاگرهای این حوزه در فضای مجازی. خبر ساخت سریال دیگری در شبکه نمایش خانگی بر اساس رمان «زخم خورده» مهدی یزدانی خرم را هم شاید بتوان مرهون موفقیت احتمالی «زخم کاری» دانست، شاید هم بتوانیم آن را مد سال بدانیم، چرا که پیش ازین بارها سابقه داشته تا تنور علاقه به اقتباس های اینچنینی داغ است می توان نان سریال را زود چسباند. هر چه هست می توان این نکته بدیهی را عنوان کرد که موفقیت سریال زخم کاری فارغ از ظرفیت کتاب محمود حسینی زاد به اقبال بیشتر جامعه ایرانی به ادبیات داستانی نسبت به گذشته ارتباط دارد. این نکته نشانه دیگری بر افزایش تعداد کتابخوان های ایرانی دارد، حالا می خواهیم با خودحقیری دست به تمسخر سهم ۲ دقیقه ای سرانه مطالعه در ایران بزنیم یا حتی با یک مکانیسم دفاعی کلیشه ای با این نکته شوخی کنیم که در آمارهای اندازه گیری سرانه مطالعه در ایران «خواندن زیرنویس فیلم ها» هم محاسبه شده است.

به بهانه یادداشت خوب اشکان خطیبی برای هنروران سریال «خاتون»

رویایی برای یک مرثیه

آیا وضعیت سیاهی لشکرهای سینما و تلویزیون بهتر از قبل می شود؟



علی رستگار

سینما

می دانید سینما قبل از این که ستاره و بازیگر نقش اصلی داشته باشد، سیاهی لشکر داشت؟ اولین فیلم های تاریخ سینما یعنی «کارگران در حال خروج از کارخانه لومیر» و «ورود لکوموتیو بخار به ایستگاه لسیوته» ساخته برادران لومیر، تنها با حضور جمعیت جلوی دوربین شکل گرفت. البته این فیلم ها بیشتر در حوزه مستند قرار می گیرند و این بخشی از زندگی افراد است که به فیلم راه پیدا می کند اما حضور و کارکرد آنها مشابه همان جماعتی است که بعدها به عنوان سیاهی لشکر از آنها یاد شد؛ یعنی بازیگران یا به عبارت بهتر افرادی که در فیلم ها و سریال ها بیشتر در نماها و سکانس های شلوغ و به عنوان مردم و جمعیت استفاده می شوند و دیالوگ و بازی ویژه و برجسته ای ندارند و حضور تصویری شان صرفا برای القای حس زندگی در صحنه ها و در راستای جلوه گری هرچه بیشتر قهرمان ها و بازیگران اصلی و مکمل است. افرادی که با وجود حضور در جلوی دوربین، کمتر کسی از آنها به عنوان بازیگر یاد می کند. آدم های حاشیه ای سینما که سازندگان آثار، معمولاً حتی آنها را شایسته ذکر نام در تیزر یا پانی هم نمی دانند.

از سیاهی لشکری تا هنروری

اگرچه همچنان می شود درباره سیاهی لشکرها مرثیه سرایی ها کرد و از بی رحمی و نامردی سینما گفت که با شیفگان و عاشقان بی مصالح و بی سلاشت که عموماً دانش این کار و حتی استعداد و امکان رشد در این زمینه و پیوستن به رده های بالاتر را ندارند، بد تا می کند و شانس می به آنها نمی دهد اما انگار به مرور اتفاقات کم و بیش مثبتی هم در این فضا حاصل شده است و سیاهی لشکر امروز با سیاهی لشکر دیروز تو فیر دار و چندان قابل قیاس نیست. البته هنوز هم بیشتر این جماعت علاقه مند بازیگری و صرفاً حضور جلوی دوربین، از طبقات فرودست و متوسط به پایین جامعه هستند و با نگاهی منصفانه، بخت و اقبال رشد و پیشرفت در عرصه بازیگری و سینما را ندارند، اما این شامل همه آنها نمی شود و می توان حتی از دل سیاهی لشکرها، منظر ظهور یک ستاره بود. احتمالاً نامی از فیلم «طوفان» در شهر ما ساخته ساموئل خاچیکیان محصول سال ۱۳۳۷ را این روزها در فضای مجازی دیده اید که بهروز توفیقی به عنوان سیاهی لشکر در آن رویت می شود. بازیگری که چند سال بعد از آن به یکی از ستاره های سینمای ایران تبدیل شد. شاید همین یک مثال برای روحیه گرفتن و انگیزه مضاعف جماعت سیاهی لشکر کافی باشد و موجبات افزایش رویا بافی و خیال پردازی های آنها را فراهم کند. همچنین در این سال ها در سینمای ایران دست کم در ظاهر برای سیاهی لشکرها احترام بیشتری قائل می شوند و در فضاهای رسمی و رسانه ای از آنها به عنوان هنرور یاد می کنند اما این که چقدر این احترام در واقعیت و پشت صحنه فیلم ها هم وجود دارد و چقدر در بحث دستمزدی، وضعیتان نسبت به گذشته تغییر کرده، بحث دیگری است که نیاز به بررسی کارشناسانه دارد. می دانیم ساز و کار انتخاب سیاهی لشکر و بازیگران برای بازی در نقش جمعیت و مردم،

برخی سیاهی لشکرهای ارباب جمشید نشست. روایتی که قدر دید و احمدا را به عنوان استعدادی درخشان در کارگردانی هم معرفی کرد. آن جوانی که برای مصاحبه، سرغ سیاهی لشکرها رفت، مهران غفوریان بود که چهره اش نسبتی با این سال ها و روزهایش ندارد. خود شاهد احمدا را با گروه مستند همراه کند و آنها را نزد از سن واقعی اش نشان می داد. که بزنیم به تخته هنوز هم در ۴۸ سالگی این ویژگی را دارد. در صحنه کوتاهی، نقش یک جوان شیفته سینما را بازی می کند که اصرار دارد، خودش را با گروه سازنده مستند همراه کند و آنها را نزد سیاهی لشکرهای ارباب جمشید ببرد. فیلم سیاهی لشکر ضمن روایتی همدلانه و دلسوزانه، جهان متفاوت جماعت هنرور را با دنیای رگ و بی رحم واقعی نشان می دهد. این که شاید سقف آرزوها و خواسته های این دلبستانان سینما بسیار بلندتر از استعداد و توانایی آنها باشد. اما یکی از زیباترین لحظات سینمای ایران که خستگی را دست کم برای ساعاتی از تن رنجور و دل غمگین سیاهی لشکرها زدود و لبخندی بر لب هایشان نشان، در افتتاحیه سی و دومین جشنواره فیلم فجر رقم خورد. جایی که به پیشنهاد مهدی هاشمی، سه سیاهی لشکر قدیمی سینمای ایران در تجلیل از او حاضر شدند و هاشمی را به صحنه دعوت کردند: محمدلالی (محمد ذوالفقاری)، چیچو (شمس الدین می شود) و غلام زاپنی (غلامحسین میرزایی). کار بزرگ هاشمی، به نوعی ادای دین به زحمات و تلاش های چندین ساله سیاهی لشکرهای سینمای ایران بود.

کار خوب خطیبی

اما آنچه باعث شد فیل ما یاد سیاهی لشکرهای عزیز سینمای ایران را کند چیست؟ پست اخیر اشکان خطیبی در صفحه شخصی اش در اینستاگرام. او که این روزها با نقش آفرینی اش در سریال «خاتون» دوباره مورد توجه قرار گرفته، در حرکتی ارزشمند و مثال زدنی با انتشار پستی از هنروران این سریال قدر دانی کرد. خطیبی ضمن انتشار چند عکسی که خودش سر صحنه از تلاش ها و سختی های هنروران گرفته، نوشت: «این عکس ها را از همکاران گیلانی ام سر صحنه خاتون برداشته ام. تا به حال هنروری را



به هیچ علاقه مند به بازیگری پیشنهاد ندادام. چرا که فکر می کنم آنچه در سینمای ایران به عنوان پیشه هنروری وجود دارد، نسبتی با بازیگری ندارد اما آنچه در طول فیلمبرداری خاتون در گیلان از چند صد همکار هنرورم دیدم، جز عشق به بازیگری، صبوری، احترام، پشتکار و ایثار نبود. تا آنجا که می توانم بگویم از خیلی هایشان آموختم. بارها و بارها بر خاک خوابیدند و چسبناکی خون مصنوعی و حشراتی را که به خاطر همین خون ها جذیشان می شدند، تاب آوردند و دم نزدند و هر بار که من و باقی گروه جوای احوال شان می شدیم، با جدیت پاسخ می دادند مهم این است که نتیجه کارشان خوب شود. کودکان و سالمندان سرما و باران و لباس های خیس و گشنگی را تاب می آوردند چرا که به کارمان اعتقاد داشتند و مهم تر از آن به بازیگری، به خود مفهوم بازیگری عاشقانه عشق می ورزیدند. خیلی هایشان دانش آموخته تئاتر و هنر هستند و قاب و لنز و حس و اکت را می شناسند. این یادداشت برای شماسبت؛ شمایی که به هزاران دلیل از جمله مرکزیت اتفاقات هنری در پایتخت از رسیدن به آنچه عشق و حقت هست بازمانده ای. تودوست من، همکار منی، سقف آرزوهایت بلند.»

مدتی قبل از او تینا پاکروان، نویسنده و کارگردان این سریال هم با انتشار پستی، از هنروران خاتون به نیکی یاد کرد و یکی از معضلات سینمای ایران را جدی نگرفتن هنروران دانست.



سازمان صالحی
جام جم
مسئول مراسم
خوشامدگویی
شدند، دخترها
یک روز وقت

روایتی از دیدار تولید
آستان قدس با اعضای یک
مؤسسه خیریه خادمان رضوی
مهمانی در خانه
امام مهربانی

کوچکترها

گذاشته و کیک پختند چند تا از پسر ها هم مسئول فضا آرای و پذیرایی شدند. به محض ورود حجت الاسلام والمسلمین مروی، تولید آستان قدس رضوی، باران، یکی از کوچکترین دختران مؤسسه خیریه نور علی بن موسی الرضا (ع) با دسته گلی به پیشواز مهمان می آید و می گوید: سلام، به خانه بچه های امام رضا (ع) خوش آمدید.

بهترین خدمت ها در نزد خدا
سعیدی، مدیر این مؤسسه خیریه به نمایندگی از همکارانش، مجموعه را معرفی می کند: این مؤسسه به دست خادمان افتخاری حضرت رضا (ع) سال ۸۷ راه اندازی شد. مؤسسه در ۳ شعبه، مجموعاً ۴۰ فرزند دختر و پسر را در رده های سنی مختلف سرپرستی می کند. به علاوه ۱۰ خانواده دیگر را که از نظر مالی کم بضاعت هستند، تحت حمایت داریم. ۲۶ نفر پرسنل اداری و آموزشی نیز با بضاعت محدود، مجموعه ما را در آموزش و پرورش بچه ها همراهی می کنند.



همه حرف و حدیث ها که گفته شد بالاخره میکروفن را برای شنیدن بیانات حجت الاسلام والمسلمین مروی تنظیم می کنند. تولید آستان قدس رضوی پیش از هر سخنی به ابراز لطف میزبان پاسخ می دهد و می گوید: این توفیقی برای ماست که امروز در خدمت شما هستیم، ما باید خیلی زودتر از این ها به دیدار شما عزیزان می آمدیم.

وی در ادامه می گوید: خدا از هر کسی به ما نزدیک تر است، نزدیک تر از رگ گردن، پس هیچ وقت به خاطر فقدان پدر و مادر و بیستگان احساس تنهایی نکنید. والدین هم روزی از دنیا می روند و خدا تنها پشت و پناه همه ماست. پس با خدایی که خود را رفیق ما خوانده، دوست و نزدیک شوید. بخش های رسمی تر مجلس که می گذرد، تولید آستان قدس را به چشیدن دست پخته شیرین دخترها دعوت می کنند. در این فرصت، تعدادی از بچه ها در فضای صمیمی به وجود آمده، جلوتر می آیند تا خود را معرفی کرده و با حجت الاسلام والمسلمین مروی گپ و گفتی داشته باشند اما شاید شیرین ترین بخش مهمانی برای بچه ها، گرفتن هدیه از دست فرستاده امام زین العابدین بود. حاج آقا مروی برای همه بچه ها متناسب با سن و سالشان هدیه هایی زیبا تهیه کرده بود. یکباره شور و هیجان خاصی همه فضای حیاط را پر می کند و هر کس با گرفتن هدیه، مشغول بازگردش می شود.